

معرفی کتاب

آیا زوال آمریکا یک افسانه است؟

مروری بر کتاب «افسانه زوال آمریکا»

بسیاری عوامل دیگر می‌پردازد. با این حال، شاید بتوان این کتاب را در دایره ترویج‌دهندگان گفت‌مان افول و زوال آمریکا دانست! هرچند نویسنده تلاش می‌کند تا از این میدان انتقادی بگریزد.

تاریخی کوتاه از زوال در آمریکا

فصل یک^۲ به شوکی که پرتاب فضایی‌های «اسپوتنیک» شوروی در ۱۹۵۷ و تبدیل شوروی به اولین قدرت فضایی به آمریکا وارد نمود، اشاره کرده و به این‌که چگونه در آن زمان، رشد اقتصادی روزافزون چین، رسانه‌های آمریکا را تحت تأثیر قرار داده که به مقایسه ارکان مختلف کشور مانند سیستم آموزشی با دیگر کشورهای رقیب منجر شده است. اتفاقاتی مانند قدرت گرفتن شوروی، ورود آمریکا به جنگ ویتنام، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی-اجتماعی آن، ورود بازیگران جدید مانند چین و ژاپن به عنوان قدرت‌های بزرگ اقتصادی، در کنار

عنوان می‌کند که پیش‌بینی‌های کنونی مبنی بر زوال آمریکا نیز از همان نوع بوده است که از این رو، چندان قابل اتکا نیستند.

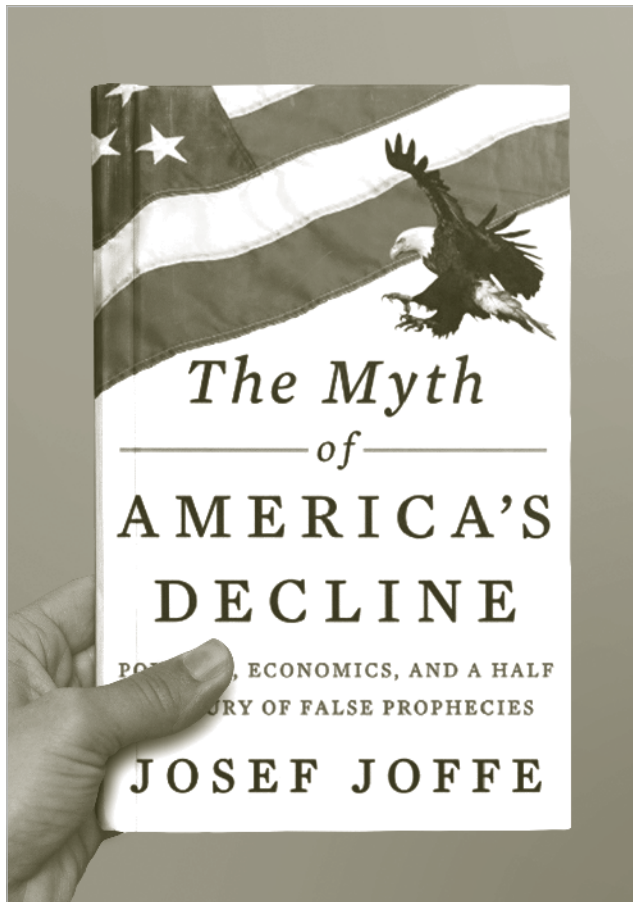
نویسنده، کتاب را با اشاره به تکرار تفکر «زوال» در آتیه آمریکا و این‌که این تفکر به سنت آمریکایی تبدیل شده است، آغاز می‌کند.

سپس به این موضوع می‌پردازد که به‌طور مکرر و در بازه‌های زمانی نسبتاً کوتاه، پیش‌بینی زوال و جایگزینی آمریکا برای بیش از نیم قرن، تکرار شده است؛ گاه با نگاه به ژاپن، گاه شوروی یا چین. سپس به جالب بودن این واقعیت می‌پردازد که «زوال» آمریکا، ظاهراً مانند امپراتوری روم باستان در طول اعصار رخ نداده، بلکه تصویری است که در دهه‌های متوالی و به اشکال گوناگون ظاهر می‌شود. همچنین، نویسنده به اهمیت سنجش قدرت و آینده یک کشور، نه تنها بر اساس عوامل ظاهری مانند نرخ رشد و جمعیت، بلکه عوامل بسیار پیچیده‌تر و بنیادی‌تر، مانند قدرت رسانه، آموزش، سنت و فرهنگ، اتحادهای سیاسی و

در اینجا مروری بر کتاب «افسانه زوال آمریکا؛ سیاست، اقتصاد و نیم قرن پیشگویی‌های دروغین»، اثر جوزف جاف، سردبیر و ناشر مجله هفتگی آلمانی زبان Die Zeit و البته همکار در موسسه هورر خواهیم داشت. این کتاب اولین بار در سال ۲۰۱۵ از سوی انتشارات لیورایت، در ۲۷۹ صفحه به چاپ رسید. می‌تواند اصلی کتاب حول اثبات ادعای نویسنده مبنی بر این است که برای بیش از نیم قرن به‌طور پیوسته، انواع پیش‌بینی‌ها، مقایسه‌ها و تحلیل‌های آماری غیردقیق و شبه‌علمی مبنی بر زوال قدرت آمریکا و نشستن کشورهای دیگر (گاه شوروی، گاه ژاپن، چین یا دیگر کشورهای شرق آسیا) بر جایگاه ابرقدرت اول جهانی ارائه شده، اما هیچ‌یک از آن‌ها در برابر آزمون زمان دوام نیاورده‌اند. نویسنده این روند را به وضعیت کنونی تعمیم داده و با تکیه بر اطلاعات آماری و تئوری‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی،

1. The Myth of America's Decline: Politics, Economics, and a Half Century of False Prophecies

2. "It's Decline Time in America": A Short History



مشکلات اقتصادی آمریکا در دهه ۱۹۷۰ و افزایش نفوذ کمونیست‌ها در آمریکای لاتین، در کنار بحران‌های اقتصادی مانند ۱۹۵۸ و ۲۰۰۸، همگی عواملی هستند که در آن دوران، تئوریسین‌های زوال آمریکا با تکیه بر آن‌ها، بارها بر افول قدرت آمریکا صحه گذاشته‌اند.

کاربرد تئوری زوال

فصل دوم^۱ عنوان می‌کند که آمریکا، تاکنون حداقل پنج موج از گسترش ذهنیت افول‌گرایی^۲ را تجربه کرده است و به علت خریدار داشتن این ایده، به اهداف و کاربردهای آن می‌پردازد. این فصل با ذکر موارد مشخص، عوامل مختلفی مانند روانشناسی انسان - که همیشه اخبار بد و مبنی بر فاجعه را جالب‌تر و پذیرفتنی‌تر می‌یابد - تا نقش تئوری زوال در پیروزی در انتخابات، موفقیت حرفه‌ای افرادی که با اتکا به ایجاد این تصور در جامعه، اهداف خود را پیش برده‌اند، کاربرد ترس از افول در پیش‌راندن کشور به سوی تغییر رفتار و تلاش‌های عظیم در راستای پروژه‌هایی که با هدف جلوگیری از این افول طرح می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌دهد. در آخر فصل، نویسنده با ذکر مثال‌هایی، به دوره‌ای بودن این موج و ماهیت تکراری رفتار حامیان و مبلغان آن اشاره می‌کند.

مسئله سنجش قدرت

فصل سه^۳ از طریق مقایسه با دیگر قدرت‌های تاریخ و مطالعات آماری به سه فاکتور مهم قدرت آمریکا می‌پردازد: قدرت اقتصادی، قدرت نظامی و هزینه حضور نظامی جهانی. با مقایسه ابعاد اقتصاد آمریکا و دیگر کشورهای رقیب، نشان می‌دهد که حتی در اوج قدرت اقتصادی دیگررقبا، آمریکا فاصله بسیاری با

نزدیک‌ترین آن‌ها از نظر شاخص‌های اقتصادی دارد. همچنین، به ماهیت رشد اقتصادی و این‌که چرا اتکا به یک کشور صحیح نیست، اشاره می‌کند. سپس نویسنده به صورتی مشابه، قدرت نظامی آمریکا و حضور جهانی آن را تحلیل کرده و با بررسی عواملی مانند اثر اندازه، سرعت و برد مؤثر در عملیات نظامی، نشان می‌دهد که قدرت نظامی آمریکا و دسترسی جهانی این کشور، گاهی

3. The Powers and Their Power: Measuring What Matters

1. Politics and Prophecy, or the Uses of Declinism
2. Declinism

فاصله متحیرکننده‌ای با مجموع توان دیگر قدرت‌ها دارد. همچنین، نشان می‌دهد که آمریکا علی‌رغم حضور جهانی خود، به سبب این‌که برای اعمال آن از روش‌های متفاوت با امپراتوری‌های پیشین استفاده می‌کند، برای حفظ نفوذ جهانی خود، هزینه کمتری پرداخت می‌نماید؛ عاملی که حفظ این نفوذ را در طولانی مدت ممکن می‌کند.

مقایسه گذشته و آینده

در فصل چهارم،^۱ نویسنده دلایل خود را بر ادامه دار نبودن روند رشد رقابلی که تصور می‌شود دلیل افول آمریکا هستند (مشخصاً چین)، با تکیه بر سوابق تاریخی نمونه‌های مشابه عنوان می‌کند. این بخش به مدل استفاده‌شده در کشورهای شرق آسیا مانند ژاپن، کره جنوبی و تایوان اشاره کرده است و نحوه دستیابی آن‌ها به رشد اقتصادی دورقمی برای چند دهه از طریق سیاست سرمایه‌گذاری مازاد، کاهش مصرف و پایین نگه داشتن ارزش پول ملی، به علاوه نیروی کار ارزان و سیستم حکومتی اقتدارگرا برای تحمیل این سیاست‌ها بر جامعه را توضیح می‌دهد. سپس، نشان می‌دهد که این روش اگرچه برای مدتی به رشد اقتصادی سریع منجر می‌شود، عامل گسترش فساد و ناکارآمدی، فاصله طبقاتی، نارضایتی اجتماعی و دیگر مشکلات روزافزون شده و

بدین ترتیب، خود در این مسیر، عوامل رفرف سیستم (مانند ژاپن و کره) یا فروپاشی آن (مانند شوروی) را شکل می‌دهد و درعین حال، به دلایل مشخص، این رشد سریع اقتصادی پس از دوره‌ای نسبتاً کوتاه، به رشد متوسط یا حتی رکود تبدیل می‌شود. نویسنده نشان می‌دهد که چگونه تحولات چین، در مقیاسی بزرگ‌تر، با بیشتر این علائم تاریخی مطابقت دارد و با توجه به آن، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا واقعاً چین می‌تواند از تکرار این روند تاریخی بگریزد؟

جایگاه اول از آنچه کسی خواهد بود؟

فصل پنجم^۲ به بررسی سرمایه‌داری دولتی^۳ حاکم بر اقتصاد چین پرداخته که در آن، علی‌رغم اصلاحات اقتصادی و سیاسی، همچنان دولت مالک بیش از ۸۰ درصد اقتصاد، چین است. نویسنده توضیح می‌دهد که چگونه چین با جذب سرمایه‌گذاری خارجی در قالب مناطق آزاد تجاری در پیوند با کنترل دولت بر بازار و اقتصاد، نوعی «سرمایه‌داری کمونیستی» است که سعی دارد رفرف ایجاد کند اما درعین حال، قصد پیشگیری از رفرف‌ماسیون^۴ را نیز دارد. چنین سیستمی ناگزیر دارای پنج بیماری اقتصاد مالکیت دولتی است:

سرمایه‌داری رفاقتی، فساد، تبانی و پارتی‌بازی. در این فصل می‌بینیم که عوامل اقتصادی-اجتماعی مانند کاهش بازدهی با افزایش ورودی سرمایه، افزایش دستمزدها با افزایش رفاه و کاهش تعداد نیروی کار ارزان (البته در چین هنوز نیمی از جمعیت روستانشین بوده و از این رو منبع نیروی کار ارزان آن، بسیار دیرتر تمام خواهد شد (دام تا کوویل)^۵، افزایش انتظارات و مصرف مردم با بهبود سطح رفاه و به طبع آن، به چالش کشیده شدن اقتصاد مبتنی بر کار ارزان و سیاست مبتنی بر اقتدار و مشت آهنین حکومتی و تغییرات ساخت جمعیتی (دموگرافیک) مانند کاهش نیروی کار جوان به علت کاهش نرخ تولد، از جمله عواملی هستند که روند رشد اقتصادی چین را با چالش و کندی مواجه کرده و خواهد کرد. همه این موارد، تحقق پیش‌بینی‌های مبنی بر برتری اقتصادی چین بر آمریکا را با چالش مواجه می‌کنند.

دلایل حفظ موقعیت برتر آمریکا

نویسنده در فصل ششم^۶ اشاره می‌کند که بر اساس اطلاعات، تغییرات دموگرافیک (جمعیت رو به پیری در چین و رو به جوانی در آمریکا) در کنار عواملی مانند افزایش هزینه بازنشستگان و بار آن بر سرمایه‌گذاری، بر اقتصاد چین

2. The Next Number One: China and

Yesterday's Highfliers

3. State capitalism

۴. "Reformation اصلاحات اساسی"

5. Tocqueville trap

6. Challengers and Champions: Why America's Edge Will Endure

1. Hype and History: Why Tomorrow Is Not Like Yesterday

آمریکا، غرب و دیگران

فصل هفتم 'مروری بر نقشه قدرت جهانی، از پنج قدرت در قرن ۱۸ تا دو قدرت پس از میانه قرن ۱۹ و سپس، یکه تازی آمریکا پس از سقوط شوروی داشته و به دنبال آن، عنوان می‌کند که یک ویژگی قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا، این است که حاشیه مصونیت بیشتری دارند و می‌توانند، تبعات خطایی را که برای کشوری ضعیف‌تر مگر بار است، تحمل کنند. در ادامه و در پاسخ به پرسش ماهیت جهان کنونی، ذکر می‌کند که جهان امروزی نه دوقطبی و نه تک قطبی است، بلکه دارای توزیع بی سابقه قدرت در سطح جهانی است. در این میان، آمریکا نه بر قدرت دارای حاکمیت مطلق، بلکه قدرت پیش فرض^۱ است؛ بدین معنا که رهبری ائتلاف‌ها (مانند ائتلاف علیه پاک سازی نژادی صرب‌ها در بوسنی یا عراق صدام) را بر عهده می‌گیرد و معمولاً اگر آمریکا در بحرانی منطقه‌ای (مانند سوریه) وارد نشود، دیگر کشورها نیز برای حل آن ورود نمی‌کنند. نویسنده به فاصله بی سابقه قدرت نظامی امپراتوری آمریکا با هر کشور دیگر و همچنین، ماهیت شبکه‌ای و تجاری نفوذ آمریکا اشاره می‌کند که در کنار موقعیت جغرافیایی، آن را از خطر نابودی توسط جنگ یا گسترش بیش از حد قلمرو مصون

اثر منفی خواهد داشت. به علاوه آمریکا در زمینه آموزش و همچنین، تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری برتری بسیار بیشتری نسبت به چین دارد که این در اقتصاد آینده - که بیش از نیروی کار ارزان، به سوی اتکا بر دانش بنیانی و فناوری مدرن (نانو، کامپیوتر، هوش مصنوعی و ...) پیش می‌رود- واجد اهمیت است. مهاجری پذیری آمریکا با تأمین نیروی کار و جمعیت جوان، یکی دیگر از دلایل تقویت توانایی این کشور از نظر اقتصادی است. همچنین می‌بینیم که چگونه اقتصاد دولتی، ماهیتاً دارای بازدهی نامناسب بوده است و محیط مناسبی برای نوآوری و اختراع نیست، زیرا هزینه بالای سرمایه‌گذاری‌های دولتی، به تلاش زیاد برای حفاظت از آن‌ها و اولویت دادن به محافظت از شرکت‌ها بر کارایی آن‌ها منجر شده و این رفتار، موجب کاهش نوآوری و بازدهی اقتصادی می‌گردد. در پایان فصل، نویسنده به دوراهی که چین به سبب روند تغییرات اجتماعی- اقتصادی ناگزیر است با آن مواجه شود، می‌پردازد؛ افزایش آزادی یا افزایش سرکوب و عنوان می‌کند که با وجود تلاش حکومت، حفظ وضعیت کنونی برای همیشه ممکن نیست و در ضمن، هیچ‌یک از این دو رویکرد با رشد اقتصادی شگفت‌انگیز کنونی به واسطه سرمایه‌داری دولتی همخوانی ندارند.

می‌دارد. همچنین به نقش حمایت نظامی و اقتصادی آمریکا از اروپا در مقابل آلمان در جنگ اول و دوم جهانی و همچنین، در برابر شوروی استالینی و پشتیبانی آمریکا از شرق آسیا در مقابل چین و روسیه کمونیست می‌پردازد که در کنار کمک‌ها و وام‌های سخاوتمندانه آمریکا به این کشورها در دوران پس از جنگ، آن‌ها را در شبکه نفوذ اقتصادی آمریکا گردآورده است.

آینده آمریکا

در پایان، نویسنده می‌گوید که با رجوع به پانزده فاکتور قدرت در عرصه جهانی، آمریکا هنوز در ده مورد، پیش‌تاز بوده اما در پنج مورد، مورد تهدید است. به عقیده مؤلف، آینده آمریکا بیش از هر چیز، توسط رویدادهای داخلی آمریکا تعیین خواهد شد. کتاب با این پرسش به پایان می‌رسد، افرادی که موافق یا مخالف، به زوال آمریکا می‌اندیشند، باید به این مسئله دقت کنند، جهانی که بر پایه احکام اداره می‌شود، طبیعتاً به یک ناظر نیاز دارد و هر چه آمریکا به مسائل داخلی خود، بیشتر معطوف شود و این نقش را رها کند، جهان وارد دور تازه‌ای از رقابت میان قدرت‌هایی می‌شود که هیچ‌یک بر دیگری برتری تعیین‌کننده نداشته و احتمالاً، جهان، به جایی غیرقابل پیش‌بینی و ناامن‌تر تبدیل خواهد شد.

1. America, the West, and the Rest: Who Will Own the Twenty-First Century?
2. Default power